



## تو هم زمزمه کن حسین جانم، حسین جانم، حسین جان...

ما با زمزمه متولد شده‌ایم، با نوایی که در همه سال‌های زندگی‌مان ما را درگیر خودش کرده است. زمزمه‌هایی که از یک جای اساطیری آمده‌اند و اگر نخواهی هم در ضمیر ناخودآگاهت جریان دارند. یکی از این ذکرهای معجزه‌گر و شیدایی، زمزمه «حسین جانم، حسین جانم، حسین جان... حسین جانم، حسین جانم، حسین جان...» است.

چه غوغایی می‌کند این ذکر وقتی همه خستگی‌های جهان توی قلبت ریخته باشد و تو ریسمانی را جست‌وجو کنی تا تنهایی‌هایت را به آن کره بزنی و بفرستی میان فرشتگانی که منتظرند باران آرامش را به قلبت نازل کنند. برای همین است قدیمی‌ترها در خلوتشان آرام آرام این ذکر ساده را زمزمه می‌کردند. آرام آرام زمزمه می‌کردند و توی دلشان روضه‌خوانی می‌گرفتند. این ذکر معجزه می‌کند اگر حواسمان باشد.



## منبر حال دلمان خوب نیست

روضه‌خوان که روی منبر می‌نشست تا می‌گفت: «السلام علیک یا ابا عبدالله» هنوز روضه را شروع نکرده مجلس منقلب می‌شد و اشک گوشه چشم‌ها می‌نشست. حالا روضه‌خوان باید خودش را بالای منبر به آب‌و‌آتش بزند تا حال دلمان کمی خوب شود. تا کمی دلمان نرم شود. چرا از آن حال و احوال دیگر خبری نیست. یاد خطبه آقا سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا افتادم که رو به لشکر یزید گفت: «هرچه می‌گویم در قلب و دل شما اثر نمی‌کند...»

نکنند ما هم داریم شبیه آن‌ها می‌شویم. نکنند حرف‌های خوب دیگر در ما اثر نکنند، راستی ما کدام طرفی هستیم...؟



## آبدارخانه چای روضه

می‌گفت: داداش من چای‌شناسم، از چای‌های درجه‌یک لاهیجان گرفته تا چای‌های وارداتی و عطری همه‌شون رو امتحان کردم. مهمونی که می‌ریزم همه می‌دونن من هر چایی‌ای باب میلم نیست و چای خیلی باید چای باشه تا با اشتیاق بنوشم که اگر نباشه باهاش حال نمی‌کنم.

چای غیر از لب‌سوز و لب‌دوز بودن باید اصل باشه، اصیل باشه، رنگ و عطر مصنوعی نداشته باشه، اما از همه مهم‌تر باید چای، چای روضه باشه. من این‌همه سال از خدا عمر گرفتم، اما هنوز که هنوزه برام سؤاله که چرا چای‌های روضه سیدالشهدا (ع) طعم و مزه دیگه‌ای می‌ده. اصلاً انگار عطرش واسه به جای دیگه است. به سال از آبدارچی هیبت نشونی چایی‌هایی رو که برای روضه دم می‌کرد گرفتم، به جایی تو بازار تهران. رفتم همون‌جا، همون چای رو خریدم و آوردم خونه و دم کردم، اما نه اون طعم رو داشت، نه اون مزه و عطر رو. راست می‌کن که چای باید چای روضه باشه.



## روضه‌خوانی آقا جان به کوفه‌نیا...

مسلم پسر عقیل را که بردند بالای برج و باروهای محل خلافت حاکم کوفه که سرش را از بدنش جدا کنند و پیکرش را از آن بالا به پایین پرت کنند، هیچ شکایتی از عهدشکنی مردم کوفه نکرد، حتی نگفت مرا نکشید، حتی نخواست پیغامی یا خبری از او برای زن و فرزندانش بریند، فقط رو به دشت کرد و گفت: «حسین جان نیا... آقا جان به کوفه نیا...»



## کهکشان حسینی دلت کتیبه‌م خورد و حسینی‌م‌شود

شهر به ناگاه چهره عوض می‌کند. عید غدیر تازه تمام شده است، هنوز ریشه‌های چراغ‌های الوان و پرچم‌های رنگی جمع نشده‌اند که ناگاه شهر تغییر می‌کند. کتیبه‌ها و سیاهی‌ها و پرچم‌های عزا بیرون می‌آیند و ناگاه همه چیز محرمی می‌شود. بوی حسین همه شهر را می‌گیرد و خواسته یا ناخواسته تو هم در کهکشان حسین (ع) قرار می‌گیری. همه چیز ناگاه تغییر می‌کند. «باز این چه شورش است که در خلق عالم است». این شور از کجا می‌آید؟ چگونه می‌آید که این قدر ما را درگیر خودش می‌کند. همه چیز تغییر می‌کند؛ همه چیز، رنگ‌ها، نگاه‌ها و حتی صداها... خودروهای شهر هم حسینی می‌شوند و از داخل ماشین‌ها به‌جای ضرباهنگ تند جاز و کیتار، صدای سینه می‌آیند و نوحه. شهر ناگاه تغییر می‌کند، تغییری که دلت را آرام می‌کند، دلت را قرار می‌دهد تا قرار بگیری در این‌همه هیاهو... دلت کتیبه می‌خورد و حسینی می‌شود.



## اینستاگرام درست کنار گنبد

در اینستاگرام عکس گذاشته است از خودش و چند جوان ایرانی کنار گنبد امام حسین (ع) و زیرش نوشته است پروژه ترفیح کتیبه امام حسین (ع)، بعد چندتا از بچه محل‌هاشون زیر نوشته‌اش کامنت گذاشته‌اند:

morteza۱۱۶: بچه محلمون عشقه، چاکر بقیه نوکرا آقا سیدالشهدا  
 ۱۱۶@morteza: tarfic\_gonbad\_emam\_hooset@morteza دست‌بوستم آقا مرتضی  
 ۱۱۶@morteza: ان‌شالله دست‌بوس آقا باشن منم نوکری مثل شما  
 hosenradod: ای جان  
 بعد با خودم می‌گویم، یعنی به نفر چقدر باید از طرف امام حسین (ع) خواستی باشد که کنار گنبد سیدالشهدا (ع) قرار بگیرد، جایی که رسیدنش برای ما آرزو شده است...



## پیا و امسال محرم هم مهمان ما باش در تکبیه هشتاد

محمد عکاف



## نذر چشمان عباس رسم برادرے

راه دوری می‌روم. برادری همین است دیگر. این‌که پایه‌های قافله بیایی، این‌که از همان اول خواست به همه باشد؛ از کوچک قافله تا بزرگ قافله، این‌که گاهی در پیش کاروان کنار حسینیت باشی و دوشادوشش حرکت کنی و لایب زینب داخل کجاوه برایتان آیت‌الکرسی می‌خواند و گاهی انتهای قافله مراقب باشی کسی جا نماند، عقب نیفتد. برادری همین است دیگر، این‌که چشمت به همه چیز باشد. مراقب باشی کاروان برادرت بی‌هیچ مشکلی به مسیرش ادامه دهد تا به مقصد برسد. این‌که کودکی در قافله تشنه ماند، آفتاب سوزان صحرا خانواده بنی‌هاشم را آزار ندهد، ذخیره آب کاروان تمام نشود، این‌که همه به‌اندازه کافی خوردوخوراک داشته باشند. دل کودکی نلرزد، مادری نترسد و راه طولانی کاروانیان را خسته نکند...

رسم برادری این است که قدم به‌قدم و منزل به‌منزل مراقب قافله‌سالار باشی. این کاروان، کاروان خورشید است و تا مقصد راه زیادی دارد. رسم برادری این است که یاد بگیرد غصه‌هایت را پنهان کنی و رنج‌هایت را مخفی، این‌که حالا در این بیابان که تا چشم کار می‌کند، رمل و آفتاب و خار است، به جای مرور دردهایی که از شهر کوفه آغاز شدند و تا مدینه و مکه امتداد پیدا کردند به یاد حرف‌های پدر باشی. آخرین جملاتش و آخرین وصیتش: «روزی خواهد رسید و من در میان شما نیستم و فرزندم حسین در میان قومی فراموش‌کار و فریب‌خورده تنها خواهد ماند و آن روز رسم برادری فراموش نشود. آن روز برای حسینم برادری کن. آن روز کنار حسینم ممان و تنه‌پیش نگذار و...» این روزها حرف پدر بیشتر از همیشه در فکر و ذهنم مثل چشمه‌ای که از دل سنگ بیرون می‌زند همه جانم را به جوشش و خروش آورده است و من تنها در این دشت غریبستان با گوله‌بازی از خاطرات تلخ و شیرینی که از کوفه تا مدینه و مکه در این سالیان دراز با خود توشه کرده‌ام به روزهایی که بر ما گذشت فکر می‌کنم.

روزی که پدر را با فرق شکافته ملاقات کردم، روزی که از رنج رفتنش خواستم اشک بریزم، اما نگاهم به برادرانم حسن و حسین و خواهرم زینب بود که دردمندانۀ تنها امید زندگی‌شان را با فرق شکافته می‌دیدند. رسم زمانه، رسم عجیبی است وقتی که جگرهای پاره‌پاره برادرم حسن را دیدم و خواستم بر سر بکوبم و شیون کنم، اما باز نگاهم به نگاه نگران حسین و چشم‌های اشک‌بار خواهرم افتاد و باز بغضم را فرو دادم. رسم برادری رسم عجیبی است، بغض است و سکوت است و انتظار...





راه بررک نجرم، برارک صلح است. نجرم، ایراک که به یک قاعده باریج، ایراک که از صلح اوج حراست به همه با شد، از نوبت قاعده تا برارک قاعده، ایراک که کما حقن در پیش کفران کفر حقیقت با شد و نوبت در پیش حریه تن و کلاه زینت داخل کجوه برارک ایستادگرس من خواند و کما حقن اشهاک قاعده مراقت با شد کس ها نمار، حقت بقدر، برارک صلح است نجرم، ایراک که حقیقت به همه باریج، مراقت با شد کفران برارک بر صلح مکتون به مبرشرک ادامه دهد تا بر مقصد برسد، ایراک که نجرم در قاعده نشسته باشد، افتد سوار ک صلح خاراده برنج هاشم را آزار دهد، زجره آک کفران تمام نجرم، ایراک که همه به اندازه کافی خورده حرارت داشت، دل نجرم نجرم، عارک نجرم و راه کفران کفران را خسته نهد...

## خواستش شعرهای عاشقانه را چه بود؟

# آن اسب که پییده بر می کرد

مهدی آخرتی | سلام بر دوستان خوبم و عرض تسلیت ویژه به مناسب ماه عزاء، ماه خون خدا، سرور شهید امام حسین(ع). دوستان من چقدر خوب است که بدانیم یکی از کارهای ادبیات نشر فرهنگ اسلامی ماست وظیفه ما مسلمان‌هاست که ادبیات آیینی خودمان را بشناسیم. تاریخ را با ادبیات ثبت کنیم و از تاریخ درس بگیریم. همان‌طوری که گذشتگان ما رسالت نشر ادبیات آیینی را به دوش داشته‌اند ما هم باید این رسالت را به گردن بگیریم. تا به حال به این فکر کرده بودید که ادبیات آیینی در زنده نگهداشتن واقعه عاشورا چه نقش بزرگی بر عهده داشته؟ از شعرهای تعزیه تا مداحی‌ها و شعرهای کربلایی، همه و همه در زنده نگهداشتن تاریخ و وقایع تأثیر زیادی داشته‌اند. به همین مناسبت چند قسمتی با خوانش و تحلیل شعرهای آیینی در خدمت شما خواهیم بود. شعرهایی که برای امروز در نظر گرفته‌ام دو رباعی زیبا از شاعر آیینی «جلال کبانی» است امیدوارم که هم برای او و هم برای من و شما ثواب این شعرها نوشته شود.

## استعاره و تشبیه

- آن اسب که بی‌سپیده بر می‌گردد
- از مقتل یاس چیده بر می‌گردد
- چون شعله مغرب از غروب خورشید
- یا شبیه سر بریده بر می‌گردد

در این رباعی سوزناک، شاعر اول از استعاره استفاده کرده، یعنی امام حسین(ع) را به سپیده تشبیه کرده: آن اسب بی‌امام حسین(ع) که دست مثل سپیده روشن است بر می‌گردد... و همان‌طور که در آموزش‌های شعر به شما گفته بودم، استعاره تشبیهی است که فقط مشبیه آن مانده باشد. این‌جا مشبیه سپیده است. شاعر به‌زیبایی گفته اسبی که بی‌روشنی، بی‌امام(ع) بر می‌گردد. از مقتل یک یاس چیده شده بر می‌گردد. فدای عطر و بویت یا حسین(ع) که درست مثل یاس خوشبو بودی و لعنت به دستی که خنجر بر گلو مبارکت گذاشت. در مصرع دوم باز شاعر، امام بزرگ ما را به یاسی تشبیه کرده که چیده شده، یاسی که سال‌ها پیش دست ظالمی آن را چید و هنوز بویش در تاریخ مانده است. کلمه «مقتل» نقش مهمی را در این مصرع بازی می‌کند، این کلمه به ما یادآوری می‌کند که مقصود از یاس، وجود مبارک امام(ع) است.

## باز چرخ پورس که در خان عالم

باز چرخ پورس که در خان عالم... این شعر از حافظ شیرازی است. در این شعر، حافظ از تشبیه استفاده کرده و چرخ پورس را به چرخ عالم تشبیه کرده است. چرخ پورس، چرخ فلک است که در باغ‌ها قرار دارد و با حرکتش، ستاره‌ها را در جایگاه خود قرار می‌دهد. در این شعر، حافظ با تشبیه چرخ پورس به چرخ عالم، به این معنا اشاره کرده که در دستان خداوند، همه چیز در جایی قرار می‌گیرد که مناسب است.

## شما می‌زان نیستید

شما برای رضای خدا به و خاطر یادآوری حماسه امام حسین(ع) و خانواده و یارانش دور هم جمع شده‌اید. یادتان باشد نکته اساسی در این مراسم این است که شما فقط برگزارکننده هستید و به‌اصطلاح می‌گویند بانی مجلس امامان و اولیاء خدا هستند. پس باید مجلسی نه در حد و اندازه خودتان که در شأن آن‌ها برگزار کنید البته این موضوع هیچ ربطی به بزرگی یا تعداد مهمان‌ها و تجملات ندارد بلکه مربوط به ادب و رعایت اصولی است که خدا و امامانش می‌پسندند. پس تا می‌توانید جواری مراسم را برگزار کنید که دل آن‌ها را به دست بیاورید اگر قانون دلبری از این بزرگان را هم نمی‌دانید از روی دست علمای دین و قدیمی‌ها نگاه کرده و مثل آن‌ها رفتار کنید.



مسلمانان در بسیاری از کشورها شرایط سختی دارند

# رفج مسلمانی

اتفاق غیرانسانی در میانمار و سکوت جهانیان در برابر آن اولین بار نیست که در دنیا برای مسلمانان تکرار می‌شود. در نقاط مختلفی از جهان و در تاریخ‌های متفاوت این تراژدی تلخ علیه مسلمانان دوباره و دوباره اتفاق افتاده است. در بسته خبری امروز به سرکوب‌هایی که هم‌چنان ادامه دارند، نگاهی خواهیم انداخت.

چین هستند که در ایالت خودگردان سین‌کیانگ یا ترکستان شرقی (اوغورستان) به مرکزیت اورومچی زندگی می‌کنند. مردم اوغور از اقوام ترک‌تبار و مسلمان سنی هستند. این قوم در استان سین‌کیانگ چین، کشورهای قزاقستان و قرقیزستان زندگی می‌کنند. متأسفانه حکومت مرکزی چین سال‌هاست این قوم مسلمان را در فشار قرار داده و به شکل‌های مختلفی آن‌ها را سرکوب می‌کند؛ برای مثال ۹۲۸ مدرسه زبان عربی در سال ۱۹۸۹ میلادی در این استان مشغول به کار بودند، اما این مدارس یکی‌یکی تعطیل شده و آخرین مدرسه این گروه در سال ۱۹۹۶ از سوی دولت چین تعطیل شد. در سال ۲۰۰۵ نیز ۲۷ دانش‌آموز به جرم آموختن اسلام در کلاس‌های آموزشی اسلام دستگیر شدند و دانشجویان به جرم انجام اعمال دینی از دانشگاه‌ها اخراج شدند. شاغلانی که نماز می‌خوانند، از سر کار اخراج شده، امامان ۲۳ هزار مسجد این ناحیه مجبورند نام و تعداد نمازگزاران مساجد خود را به مقامات دولتی گزارش دهند. حتی در رسانه‌ها آمده است مسلمانان اوغور گاه تحت فشار قرار می‌گیرند تا مشروبات الکلی بنوشند و در روزهای ماه رمضان غذا بخورند. سازمان عفو بین‌الملل معتقد است که پانصد اوغور از سال ۱۹۸۵ تاکنون به جرم «استقلال‌طلبی» اعدام شده‌اند. در تجمع مسالمت‌آمیز مردم شهر اورومچی به بهانه عدم رعایت حقوق اوغورها در دادگاه‌های چین تعداد کشته‌شدگان این حوادث بیش از ۱۴۰ نفر و شمار مجروحان ۸۲۸ نفر اعلام شده است.

## مقاومت برای حفظ هویت

جمعیت مسلمانان در تایلند بالغ بر ۶ میلیون نفر است و بیشتر آن‌ها در مناطق جنوبی تایلند سکونت دارند. مسلمانان ساکن در این مناطق در قرن ۱۰ هجری در منطقه‌ای به نام «فطانی» زندگی می‌کردند. این منطقه از نظر جغرافیایی به «هلال اسلامی» می‌پیوندد که از آسیای جنوب شرقی شروع شده و تا جنوب فیلیپین گسترش دارد. مردم ساکن این هلال همگی به زبان مشترک صحبت می‌کنند و آیین و رسوم مشترکی دارند. پیش از آن‌که حکومت‌های ملی یا قلمروی سرزمینی مشخص به شکل امروزی در آسیا شکل بگیرند، استعمارگران اروپایی و آسیایی مردم مسلمان منطقه را وادار کردند که از یکدیگر جدا شده و به حکومت‌های ملی غیرمسلمان بپیوندند. فطانی هم یکی از مناطقی بود که در سال ۱۹۰۶ به تایلند ملحق شد و از آن زمان تاکنون، بارها و بارها دچار ناآرامی و درگیری‌های سیاسی است. پس از این ماجرا تا همین حالا مسلمانان تایلند مشکلات بسیاری را از طرف دولت‌های مرکزی در تایلند تحمل کرده و از بسیاری حقوق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود محروم شده‌اند؛ البته آن‌ها همین‌طوری دست روی دست نگذاشتند و در پاسخ به این ظلم‌ها جنبش‌های مقاومتی را در مناطق جنوبی راه انداخته‌اند. مسلمانان تایلند سال‌هاست در برابر رفتار دولت که سعی در از بین بردن هویت فرهنگی مسلمانان دارد، مقاومت می‌کنند.

## حفظ مسلمانی

حال مسلمانان در کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان، سومالی و مناطق آفریقای هم چندان خوب نیست. انکار روی نقشه جهان نام مسلمانان را با رفح و سختی پیوند زده‌اند، بدون شک اطلاع‌رسانی در این مورد و تشکیل جنبش‌های مقاومت کمک خواهد کرد که بعد از چند قرن این پیوند شکسته شود.



## قتل‌عام در سکوت خبری

از اواخر ماه می سال جاری میلادی، میانمار و به طور خاص ایالت راخین در مرز بنگلادش با میانمار، صحنه شدیدترین درگیری‌های قومی میان مسلمانان و بوداییان بوده است. مسلمانانی که ۴ درصد جمعیت میانمار را تشکیل می‌دهند، به گفته کارشناسان و تحلیلگران، بدترین تبعیض‌های تاریخ را تجربه می‌کنند. به دلیل پوشش خبری نامناسب و قابل اعتماد نبودن اخباری که درباره این ماجرا منتشر می‌شود، در مورد تعداد کشته‌ها و مجروحان این حملات وحشیانه اطلاع دقیقی در دست نیست، اما برخی خبرها از کشته شدن بیش از ۵۰ هزار مسلمان در میانمار و آوارگی ده‌ها هزار نفر، حکایت دارند.

## قربانی دخالت قدرت‌های بیگانه

مردم شیعه یمن قربانیان دیگر برخورد قدرت‌های جهان با مذهب هستند. جنگ داخلی از سال ۲۰۱۵ میلادی میان دو جناح مخالف در کشور شروع شد؛ البته این جنگ خیلی هم داخلی نماند و نیروهای القاعده، عربستان و داعش نیز در این جنگ دخالت کردند. عربستان به همراهی چند کشور عربی مانند سودان ائتلافی به راه انداخته با حمایت آمریکا وارد جنگ با مردم یمن شده است. در مهرماه ۱۳۹۵ پیشنهاد انجام تحقیقات مستقل بین‌المللی درخصوص کشتار غیرنظامیان در یمن از سوی هلند برای ارائه به شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت انگلیس روبه‌رو شد. در ۱۷ مهر ۱۳۹۵ جنکنده‌های سعودی مجلس ترحیمی را در شهر صنعا مورد هدف قرار دادند. شمار کشته‌شدگان تا نُهصد تن اعلام شده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر این حمله را جنایت جنگی خوانده است و در مدت سه سال کودکان و زنان بسیاری جان خود را از دست داده یا آواره شده‌اند.

## تراژدی‌ای که حماسه شد

سال‌هاست که قبله نخست مسلمانان در اشغال متجاوزان صهیونیست است و مردم مظلوم فلسطین هر روز برای حق زندگی و آزادی مجازات می‌شوند. در کنار آن‌ها مردم لبنان و حتی پناهندگان مسلمان فلسطینی نیز قربانی نسل‌کشی رژیم صهیونیست هستند. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ صبرا و شتیلا و اردوگاه پناهندگان فلسطینی در لبنان شاهد قتل‌عام ۲ هزار و ۲۹۷ فلسطینی و لبنانی بود. نظامیان صهیونیست به اردوگاه حمله کرده و در مدت ۴۸ ساعت به فیجیح‌ترین شکل، آوارگان فلسطینی را به شکل گروهی کشتند. هم‌اکنون سال ۲۰۰۸ غزه نیز در شرایطی صورت گرفت که غزه از سه سال قبل در محاصره بود. در این عمل غیرانسانی ۱۴۰۰ فلسطینی به شهادت رسیدند و ۵۵۰۰ نفر نیز مجروح شدند. هر روز در خبرها شاهد کشته و زخمی شدن مسلمانان در فلسطین اشغالی هستیم و مسلمانان تحت محاصره شدید رژیم صهیونیستی هستند.

## شکنجه فرهنگی به شکل قرون وسطی

شاید نام این گروه از مسلمانان را خیلی نشنیده باشید. «اوغورها» مردم ساکن شمال‌غرب



رسم برادرک این است که قرع بپوشد و مغز بچرخد مراست قاصد کار با ترحم. این کورال، کورال خورشید است و تا مقبره راه نبرازک دارد. رسم برادرک این است که یاز بپوشد عصیانیت را بپوشد کرب و رنج نهایت را مضمون. این که کار در این میان کم تا چشم کار می کند. ریح و اعتقاد و کار است. نه چاک هر در زمان کم از شعر توم آفر کشند و تا عریض و علم اعتقاد پیدا کردند به یاز حرف ها که پیر با ترحم. آخرین خلاصت و آخرین وصیت: «هرگز خواهد رسید و من در میان شما نیستم و مرزیدم حیل در میان عوام فراموش کار و فرید خورده تنها خواهد ماند و آن روز رسم برادرک فراموشت نشود. آن روز برادرک حسین برادرک نری. آن روز نری حسین معان و نتایجت نشار و...»

## داغدارے معنے

چون شعله مغرب از غروب خورشید  
با شیشه سر بریده بر می گردد

شاعر در مصرع سوم هم از تشبیه استفاده می کند، اما تشبیه به تنهایی نمی تواند بار غم و داغ را به دوش بکشد. مهم این است که معنی شاعرانه زیبایی هم در این بیت وجود دارد. شاعر در لایه های پنهان این مصرع به داغ زمان و خورشید اشاره می کند، داغی که در همین خطها چشم ما را تر می کند، شاعر می گوید داغ حسین (ع) باعث غروب خورشید شده و مغرب آتش گرفته است. یا حسین ما هم در مجلس است وقتی به سینه می زنیم، وقتی به سر می زنیم از داغ تو آتش می گیریم و اشک گونه مان را می سوزاند در مصرع آخر ذوالجناب، اسب حضرت با شیشه ای که سرش بریده شده برگشته. با داغ سر بریده حسین (ع). شاعر بدون این که به سر مبارک حضرت به شکل مستقیم اشاره کند، به زیبایی و با حالتی کنایی می گوید که با شیشه ذوالجناب سر بریده شد. باز هم معنی این بیت در لایه های مخفی تر، به نوعی به مرگ اسب از غم حسین (ع) اشاره دارد. حسین (ع) بعد از تو نه تنها اسب تو بلکه همه ما از غم مردیم که همه ما با صدای سر بریده فریاد زدیم: یا تارالله! تنهایمان نگذار.

## نقش پر رنگ عباس (علیه السلام)

رباعی دوم:  
وقتی که شفق شعله به ذاتم می ریخت  
اشک عطش از چشم فراتم می ریخت  
یک پرچم و یک گلوئی نشینه یک مشنگ  
آتش به ستون فقراتم می ریخت

شاعر مثل شعر اول به غروب خورشید و آتش گرفتن دل ما اشاره کرده و می گوید. وقتی سرخی غروب یا همان شفق آتش به جان ما می زد، اشک از چشم ما که درست مثل فرات است سرازیر می شد. این رباعی یک مزیت دارد و آن هم اشاره به نقش پررنگ عباس (ع) در کربلاست. وقتی کلماتی مثل رود فرات، مشک و گلو می آید، ما را بی وقفه به یاد ماه بنی هاشم می اندازد. لعنت به حرامیانی که دستها ما را بریدند، لعنت به آنهایی که قامت ماهمان را هلال کردند. پس یکی از قدرت های این رباعی اشاره به نقش آفرینی حضرت عباس (ع) در کنار امام حسین (ع) است.

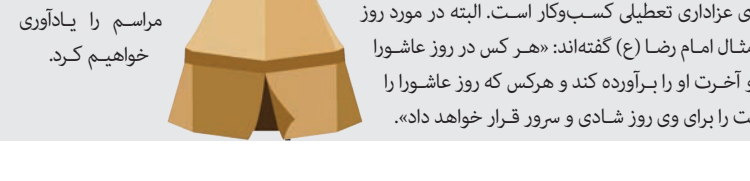
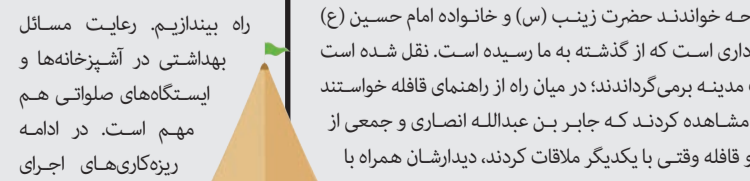
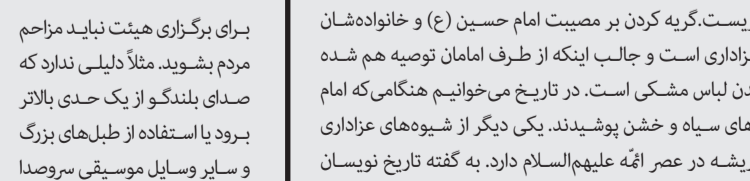
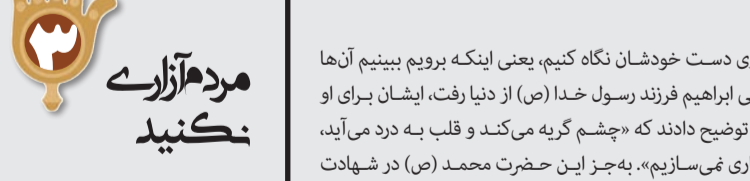
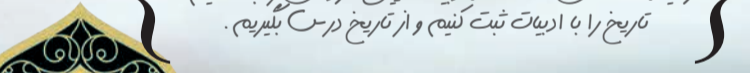
## اختراقوے

می اندازد و آتش گرفتن ستون فقرات یاد آتش گرفتن ستون چادر و خود چادر خیمه. ارتباط پرچم با سرفراز بودن حسین (ع) و پرچم اسلام که بعد از واقعه کربلا بالا رفت هم در نوع خودش زیباست. در این بیت هم تشبیه زیبایی وجود دارد، آن هم تشبیه چشم از پرایی به فرات است. یکی دیگر از نکات مهمی که در هر دو رباعی و تقریباً در همه رباعی ها باید رعایت شود، قدرت مصرع آخر است. در رباعی، مصرع آخر باید یا ضرب المثلی باشد یا تصویر خوبی که ضربه نهایی را بزند. آتش ریختن به ستون فقرات با حال و هوای این رباعی، ضربه خوبی در انتهای شعر است. تا خوانش شعر عاشورایی دیگر شما را به خدا می سپارم...

یادم است در مورد ساختار با هم حرف زده ایم، در ساختار ارتباط کلمه ها با محتوا بسیار مهم است؛ یعنی اصلاً این ارتباط ساختار را درست می کند و هم چنین ارتباط کلمه ها. به این شعر توجه کنید: کلمه شفق و سرخی آن با رنگ آتش تناسب دارد. اشک با آب فرات تناسب دارد، مشک با فرات ارتباط دارد، ستون فقرات و چشم هم مراعات النظر دارند؛ یعنی هر دو جزئی از یک کل هستند. در کنار این ارتباطها، ارتباط شعله و شفق با مفهوم واقعه کربلا که خونبار بود بسیار زیباست. ارتباط اشک و گریه با واقعه و اشک یتیمان کربلا و اشک زینب (س) و اشک ما برای کربلا. آتش گرفتن ستون فقرات با آتش گرفتن خیمه ها تناسب بسیار زیبایی دارد. کلمه ستون ما را یاد ستون خیمه ها

## وظیفه ما

وظیفه ما مسلمانان است که ادبیت آیین خودمان را بشناسیم. تاریخ را با ادبیت ثبت کنیم و از تاریخ درس بگیریم.



## بی نوح ضو خا ما عرس است

## عید

فاطمه نیکا! هر چیزی برای خودش رسم و روشی دارد بعضی کارها کمتر بعضی کارها بیشتر! رسم و شیوه بعضی کارها را می شود سبک گرفت، یا رسم و رسوم بعضی کارها هم هیچ جور نمی شود، شوخی کرد. بعضی رسمها آن قدر استخوان دار و محکم اند که برای خودشان سبک و سیاق شده اند و اسمشان می شود «آیین» و پهبان می گویند «مسلك»؛ یکی از این سبک و سیاقها مربوط به عزاداری ایام محرم و آئین هیئت داری است. گفتیم با آغاز دهه اول محرم شاید دلنشان می خواهید در خانه یا توی مسجد محل و یا مدرسه تان هیئتی به پا کنید اما فکر می کنید توانایی برگزاری آن را ندارید. برای همین گفتیم خوب است کمی درباره آیین هیئت داری با هم گپ بزنیم. شاید پانی خیر شده و کمک کردیم شما یا علی گفته و خواسته تان را عملی کنیم.

## بیا هیئت ما

چند روز قبل از مراسم، برای آماده سازی محیط فکر کنید. سیاه پوشی محیط و استفاده از کتیبه و پرچم از آیین های عزاداری است. معمولاً هیئت ها و مسجد محل این لوازم را امانت می دهند.

برنامه ریزی کنید  
شما می توانید همین طور پیویی و بدون برنامه هیئت بگیرید و برای این کار لازم است برنامه ریزی کنید. مثلاً مکان مجلس، تعداد مهمان ها، نوبت گرفتن از مداح و سخنران و دعوت از مردم حتی به برنامه قبلی احتیاج دارند.

مردم آزاره نکنید  
برای برگزاری هیئت نباید مزاحم مردم بشوید. مثلاً دلیلی ندارد که صدای بلندگو از یک حدی بالاتر برود یا استفاده از طبل های بزرگ و سایر وسایل موسیقی سروصدا راه بیندازیم. رعایت مسائل بهداشتی در آشپزخانه ها و ایستگاه های صلواتی هم مهم است. در ادامه ریزه کاری های اجرای مراسم را یادآوری خواهیم کرد.

فوت و فن های برگزاری یک مراسم عزاداری خودمانه  
برکت هیئت به دو رهم بودن و خودمانی بودن آن است تا می توانید از دوستان و بچه های محل کمک بگیرید. اشتراکی میزبانی کنید تا خرج هایتان را با یک یا چند نفر تقسیم کنید. اگر خانه تان کوچک است کمتر مهمان دعوت کنید یا کمی به وسایل خانه سروسامان بدهید. مسجد محل هم می تواند میزبان مراسم مذهبی شما باشد. برای دعوت سخنران یا مداح می توانید مسجد محل، حوزه های علمیه محل زندگی یا دوستان تان کمک بگیرید. هرچه مسافت زندگی و کار این فرد به خانه شما نزدیک تر باشد، رفت و آمد در روز مراسم راحت تر خواهد بود.

محل های برگزاری کنید  
یادتان باشد شما مهمان های محترمی دارید و باید تا جایی که می توانید توی لشان بگیرید و همه جور برای راحتی شان تلاش کنید. پذیرایی با چای یا شیر و خرما از رسم های معمول در هیئت ها است. یادتان باشد از لیوان های یک بار مصرف پلاستیکی استفاده نکنید اگر حالش را دارید به سبک قدیم با استکان و نعلبکی چای بیاورید و اگر تهیه شام یا ناهار برای هیئت نوجوان شما سخت است می توانید به فکر غذاهای ساندویچی باشید.

پیدا کردن روی دست خودشان نگاه کنیم، یعنی اینکه برویم ببینیم آن ها مال وقتی ابراهیم فرزند رسول خدا (ص) از دنیا رفت، ایشان برای او طوری توضیح دادند که «چشم گریه می کند و قلب به درد می آید، بود، جاری می سازیم». به جز این حضرت محمد (ص) در شهادت مبارک گریست. گریه کردن بر مصیبت امام حسین (ع) و خانواده شان مول عزاداری است و جالب اینکه از طرف امامان توصیه هم شده پوشیدن لباس مشکی است. در تاریخ می خوانیم هنگامی که امام لباس های سیاه و خشن پوشیدند. یکی دیگر از شیوه های عزاداری هم به ریشه در عصر ائمه علیهم السلام دارد. به گفته تاریخ نویسان شش نوحه خواندند حضرت زینب (س) و خانواده امام حسین (ع) بول عزاداری است که از گذشته به ما رسیده است. نقل شده است سمت مدینه برمی گردانند؛ در میان راه از راهنمای قافله خواستند بیدند، مشاهده کردند که جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از این دو قافله وقتی با یکدیگر ملاقات کردند، دیدارشان همراه با سانه های عزاداری تعطیلی کسب و کار است. البته در مورد روز عنوان مثال امام رضا (ع) گفته اند: «هر کس در روز عاشورا را چ دنیا و آخرت او را برآورده کند و هر کس که روز عاشورا را زیارت را برای وی روز شادی و سرور قرار خواهد داد».



این نکات را رعایت کنید  
سخنران مداح باید برگرفته از مدارک معتبر (کتاب و سنت) باشد و شأن و مقام امام حسین (ع) و یارانشان باید حفظ شود. به سخنران با توجه به مشکلات بچه های هیئت و سؤال های پنهان درباره دین موضوع برای گفت و گو پیشنهاد دهید. در هیئت های مردانه توصیه شود هنگام سینه زنی از در آوردن پیراهن خودداری کنید. زنجیر زنی از رسوم عزاداری است ولی بدن نباید آسیب ببیند. حواستان به نماز اول وقت باشد. مجلس را طولانی نکنید. در هیئت امام حسین (ع) به روی همه عزاداران حسینی باز است حواستان به فقرا باشد. بیان احکام دینی و شرعی در ابتدای جلسات هیئت تأثیر خوبی دارد. به موضوعات روز و مسائل جهان اسلام توجه کنید.





شبهه ۱ مهر ۱۳۹۶

۲۰ مهر ۱۳۹۶ تا ۲۳ مهر ۱۳۹۶

اللهم انى كنت في الدنيا والحمد لله رب العالمين... اللهم انى كنت في الدنيا والحمد لله رب العالمين...

اگر بر نخواستی هر چه برآورد و اگر و آرد... بر نخواستی هر چه برآورد و اگر و آرد...

که بر نخواستی هر چه برآورد و اگر و آرد... که بر نخواستی هر چه برآورد و اگر و آرد...

باز آمد بوی ماه مدرسه امروز سال تحصیلی جدید در مدارس کشور آغاز شد.



کتابهای آزمایشگاه



کبوترانی که به سوی تو پر می کشند

پیر و جوان و نوجوان و کودک همه در صف عزاداری تو هستند یا حسین(ع)! همه عالم عزای تو را در سینه دارند...



لب‌های تشنه

لب‌های تشنه می‌بینم که به آب خیره شده دست‌های اسیری می‌بینم که به زنجیرها زل زده پاهاى خونى رقیه را می‌بینم که بهانه پدر را می‌گیرد...

عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره ۳ مشهد

آثار عاشورایی اعضای نوجوان کانون پرورش فکری

عاشقانه

زمین پنج فصل دارد

زمین مجموعه‌ای پنج‌جلدی است با پنج فصل رنگ‌رنگ یک فصل پر از گل‌های صورتی و سفید می‌شود فصل دیگر گرم می‌شود و سبز فصل بعد پر از برگ‌های نارنجی و زرد و دیگر فصل مثل عروس سفید...

عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره ۳ مشهد

فصل گریه

فصل فصل گریه است ابرها با من بیارید فصل لب‌های تشنه است فصل مشک پاره پاره...

عضو نوجوان انجمن ادبی آفتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد



آسمان سرخ

آسمان سرخ و دمِ تنهای تنها می‌شود این دمِ شیدای فرزندان زهر(س) می‌شود شهسوار باوقاری می‌رود سمت فرات...

عضو نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره یک مشهد

حمیدرضا داداشی

راز سریه مهر اول مهر

اول مهر برای ما که کلاس اولی بودیم از نیمه اردیبهشت معنا پیدا می‌کرد؛ یعنی از همان روزی که برای اولین بار می‌رفتیم آلتبه عکاسی و از ما عکس سه‌درچهار می‌گرفتند. چند روز بعد، عکس‌ها که حاضر می‌شدند به همراه مادر می‌رفتیم به نزدیک‌ترین دبستان محل تا اسم‌مان را بنویسند...

